

به نام خداوند
بخشنده
و مهربان

کتابخانه عمومی شهید آریا
تهران

۱۰

۱۰۲۳۱

دانشگاه
شهید بهشتی

**بررسی رابطه بین رشد
صادرات غیر نفتی و رشد اقتصادی**

پایان نامه ارائه شده به گروه اقتصاد
دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

برای دریافت دانشنامه دکتری
در رشته علوم اقتصادی

توسط:

آلبرت بغزیان

استاد راهنما:

دکتر مرتضی قره باغیان

بهمن ۱۳۷۷

۴۶۸۵

۱۳۸۶ / ۱۱ / ۲۷

کتابخانه مرکزی
دانشگاه شهید بهشتی

۱

تقدیم به:

روح بزرگ پدر فداکارم،

نمونه بارز تلاش و مقاومت،

که همواره خواهان موفقیت من در کلیه مقاطع عالی
دانشگاهی بود و از هیچگونه تلاشی در فراهم نمودن
بهترین شرایط زندگی خانواده خود دریغ نورزید،

مادر عزیزم،

نمونه بارز مهربانی و فداکاری،

که همواره بهترین ساعات عمر خود را صرف اعتلای
اجتماعی، فرهنگی و علمی خانواده خود نموده است،

و

همسر مهربانم،

نمونه بارز تلاش، مقاومت و فداکاری،

که در مقابل کلیه دشواریهای زندگی با یک
دانشجوی اقتصاد، پاسخ مثبت داد و از آن پس
در کنار یک معلم اقتصاد، وی را یاری می‌کند.

برگ تأیید پایان نامه

عنوان پایان نامه: بررسی رابطه بین رشد صادرات غیر نفتی و رشد اقتصادی

نام دانشجو: آلبرت بغزیان

دوره تحصیلی: دکتری علوم اقتصادی

این پایان نامه در جلسه مورخ ۷۷،۱۱،۲۹ با امتیاز عالی مورد تأیید اعضای کمیته متشکل از استادان زیر قرار گرفت:

امضاء:

دکتر مرتضی قره باغیان: استاد راهنما

امضاء:

دکتر سید محمد علی کفائی: استاد مشاور

امضاء:

دکتر عباس عرب مازار: استاد مشاور



کلیه مطالب ارائه شده در این پایان نامه، منحصراً توسط اینجانب و زیر نظر استادان راهنما و مشاور و به عنوان تکمیل مرحله پژوهشی دوره دکتری اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهیه شده است. کلیه حقوق این پایان نامه متعلق به دانشگاه شهید بهشتی است. این پایان نامه و یا بخشی از آن برای دریافت هیچگونه مدرکی به این دانشگاه و یا دیگر مؤسسات و دانشگاهها ارائه نشده است.



آلبرت بغزیان

بهمن ماه ۱۳۷۷

تشکر و قدردانی:

بی شک، موفقیت یک دانشجوی دکتری بدون بهره‌مندی از محیطی مناسب و کادر هیأت علمی مجرب امکان پذیر نخواهد بود. تدوین پایان‌نامه فوق نیز مسلماً بدون بهره‌مندی از این امکانات میسر نمی‌گشت. من به عنوان دانشجوی اولین دوره دکتری اقتصاد دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی از جناب آقای دکتر محمد ناصر شرافت، ریاست محترم دانشکده، جهت فراهم نمودن کلیه شرایط لازم در راه‌اندازی و به پایان رسانیدن این دوره صمیمانه تشکر می‌نمایم. از جناب آقای دکتر مرتضی قره‌باغیان، معاونت محترم وزارت امور اقتصادی و دارایی، که با وجود بعهده داشتن مسؤلیت اجرایی، راهنمایی پایان‌نامه را تقبل نمودند و با بهره‌گیری از تجارب عملی و وقوف به واقعیت‌های اقتصاد ایران به هر چه بر بارتر شدن مطالب پایان‌نامه کمک شایانی نمودند، تشکر می‌نمایم. از جناب آقای دکتر سید محمدعلی کفانی، معاونت محترم پژوهشی دانشکده اقتصاد و جناب آقای دکتر عباس عرب‌مازار، اساتید محترم مشاور، که با مطالعه دقیق و موشکافانه، نواقص و کاستی‌های مطالب پایان‌نامه را تشخیص داده و نظرات ارزشمندی را ارائه نمودند، تشکر می‌نمایم. از همکاری بی‌دریغ جناب آقایان دکتر پرویز داودی، دکتر محمد نوفرستی، دکتر ادموند خشادوریان، دکتر مهدی پدram، دکتر محمدعلی فلاحی و آقای ناصر خیابانی، که با راهنمایی‌های ارزنده در سمینارهای پایان‌نامه، موجب دلگرمی اینجانب شدند و همچنین از زحمات بی‌شائبه سرکار خانم فریده بوالی که کلیه امور اداری مربوط به دوره دکتری و جناب آقای سیدافضل موسوی که کلیه امور تکثیر مطالب مربوط به دوره دکتری را به عهده داشتند قدردانی می‌نمایم.

عنوان پایان نامه: بررسی رابطه بین رشد صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی

نام دانشجو: آلبرت بغزیان

استاد راهنما: دکتر مرتضی قره باغیان

مقطع تحصیلی: دکتری علوم اقتصادی

دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

بهمن ماه ۱۳۷۷

چکیده:

نگرش‌های مختلف در ارتباط با رشد و تجارت (خصوصاً پس از جنگ جهانی دوم)، نحوه تأثیر سیاست‌های انتخاب شده بر عملکرد تجارت و نهایتاً گرایش‌های مختلف نسبت به نقش دولت و نیروهای بازار، انتخاب استراتژی تجاری مناسب را مشکل می‌سازند. تئوری سنتی نئوکلاسیک با تأکید بر افزایش کارایی تخصیص منابع داخلی ناشی از تجارت و تکیه بر نقش قیمت‌های نسبی در مقابل چسبندگیهای (قیمت و دستمزد) اقتصادی، اهمیت خود را از دست داده است. از اینرو کشورها با توجه به ملاحظات اقتصادی از بین دو گروه عمده استراتژیهای تجاری، استراتژی برون‌نگر (مانند توسعه صادرات) و استراتژی درون‌نگر (مانند جایگزینی واردات)، یکی و یا تلفیقی از هر دو را، بسته به درجه توسعه یافتگی اقتصاد کشور، اتخاذ می‌کنند.

سیاست توسعه صادرات همواره، به عنوان یکی از سیاست‌های مناسب توسعه برای کشورهای نیمه صنعتی و در حال توسعه، دارای طرفداران زیادی است. محققین در مطالعه رابطه بین رشد صادرات و رشد اقتصادی قدم‌های بسیار مؤثری برداشته‌اند. با تقسیم‌بندی مطالعات انجام شده از نظر روش‌شناسی تحقیق، سه گروه عمده مطالعات تشخیص داده شده‌اند. گروه اول، شامل مطالعات گسترده ولی توصیفی در مورد کشورهای استراتژی صنعتی شدن خود را بر پایه یکی از دو نوع استراتژی بنا نهاده‌اند. این محققین با استفاده از ضریب رتبه اسپیرمن به بررسی میزان موفقیت در رشد اقتصادی در ارتباط با صادرات می‌پردازند. گروه دوم مطالعات، بررسی تأثیر استراتژی توسعه صادرات را از طریق روش‌های اقتصاد سنجی و برآورد توابع تولید (عمدتاً نئوکلاسیک) و ورود متغیرهای مختلف در ارتباط با برآورد توابع، می‌آزمایند. گروه سوم، در حلقه اول به بررسی جهت علیت متغیرها، با استفاده از مفاهیم علیت گرنجر می‌پردازند. روش‌شناسی بکار رفته در پایان‌نامه، الهام گرفته از روش‌شناسی گروه سوم مطالعات است. با برآورد یک الگوی خودبرگشتی برداری مقید و استفاده از رگرسیون معادلات به ظاهر نامرتبط، جهت علیت بین رشد صادرات غیرنفتی و رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت با استفاده از داده‌های سالانه دوره ۱۳۷۵-۱۳۳۸ بررسی می‌گردد. بررسی خواص سری‌های زمانی بین متغیرها به تعمیم الگو و استفاده از الگوی تصحیح خطا در استحکام بخشیدن به نتایج بدست آمده از الگوی اولیه منجر می‌شود. نتایج آزمون‌های علیت نشان می‌دهند که رشد اقتصادی (بدون نفت) منجر به رشد صادرات غیرنفتی می‌گردد، و این در حالی است که رشد صادرات غیرنفتی تأثیر معنی‌داری بر رشد اقتصادی (بدون نفت) نداشته است. رشد عوامل تولید نیروی کار و سرمایه، موجب رشد اقتصادی می‌گردد، در حالی که رشد صادرات غیرنفتی منجر به رشد این عوامل نگردیده است. رشد عامل تولید نیروی کار، تأثیر مستقیمی بر رشد صادرات غیرنفتی و رشد عامل تولید سرمایه تأثیر غیرمستقیمی (از جانب افزایش تولید) بر صادرات غیرنفتی داشته است. رشد درآمد جهانی تأثیر معنی‌داری بر تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) و بر صادرات غیرنفتی کشور دارد، که بدین ترتیب اهمیت رکود یا رونق جهان (کشورهای طرف تجاری با ایران) را بر اقتصاد کشور نشان می‌دهد. تغییرات نرخ ارز واقعی بر تولید و صادرات تأثیر معنی‌داری نداشته است، که نشان دهنده عدم تأثیرگذاری سیاست‌های ارزی به عنوان عامل مستقیم رشد اقتصادی و توسعه صادرات می‌باشد. نهایتاً رشد صادرات نفت و گاز عامل مهمی در توضیح نوسانات حاصل در تولید و صادرات غیرنفتی محسوب می‌شود، که این نتیجه، اهمیت پرداختن به سیاست‌هایی جهت کاهش وابستگی اقتصاد به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و گاز را نشان می‌دهد.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: تجارت بین الملل.....	۵
۱-۱ نظریه تجارت بین الملل.....	۵
۱-۱-۱ چرا کشورها با یکدیگر مبادله می کنند؟.....	۵
۱-۱-۲ مبانی نظری تجارت بین الملل.....	۶
۱-۲-۱ دیدگاه سوداگران (یا مرکانتیلیستها).....	۷
۱-۲-۱-۱ دیدگاه کلاسیکها: تجارت بر اساس مزیت مطلق.....	۸
۱-۲-۱-۲ دیدگاه کلاسیکها: تجارت بر اساس مزیت نسبی.....	۹
۱-۲-۱-۳ دیدگاه نئوکلاسیکها در تجارت.....	۱۱
۲-۱ تجارت بین الملل، رشد و توسعه اقتصادی.....	۱۵
۱-۲-۱ نظریه تجارت بین الملل و رشد اقتصادی.....	۱۵
۱-۱-۲-۱ نظریه ریپزینسکی.....	۱۶
۲-۱-۲-۱ رشد قهقرايي.....	۱۹
۳-۱-۲-۱ تجارت به مثابه موتور رشد.....	۲۰
۴-۱-۲-۱ منافع مستقیم و غیرمستقیم تجارت خارجی.....	۲۳
۲-۲-۱ بدبینی نسبت به تجارت.....	۲۵
۱-۲-۲-۱ اولین بدبینی.....	۲۵
۱-۳-۲-۱ استدلالهایی علیه اولین بدبینی.....	۲۸
۲-۳-۲-۱ دومین بدبینی.....	۲۹
۳-۱ آیا تئوری تجارت برای کشورهای در حال توسعه قابلیت کاربرد دارد؟.....	۳۰
۱-۳-۱ آیا تجارت بین الملل می تواند موتور رشد کشورهای در حال توسعه قلمداد شود؟.....	۳۱
۴-۱ جمع بندی.....	۳۳

- فصل دوم: اقتصاد سیاسی، سیاستها و موانع تجاری ۳۴
- ۱-۲ چه کسی باید حمایت شود؟ ۳۴
- ۲-۲ اقتصاد سیاسی و موانع تجاری ۳۷
- ۱-۲-۲ چرا ابتدا صنایع رقیب واردات ترجیح داده می‌شوند؟ ۳۸
- ۲-۲-۲ ساختار حمایتی درون صنعت ۳۹
- ۳-۲ اقتصاد سیاسی نوین و توسعه اقتصادی ۴۰
- ۱-۳-۲ اقتصاد سیاسی نوین و استراتژیهای ISI و EP ۴۱
- ۴-۲ جمع‌بندی ۴۳
- فصل سوم: استراتژیهای توسعه اقتصادی ۴۴
- ۱-۳ اولین تقسیم‌بندی: شش استراتژی مجزا برای توسعه ۴۵
- ۱-۱-۳ استراتژی پولی ۴۵
- ۲-۱-۳ اقتصاد باز (نظر به خارج یا اقتصاد آزاد) ۴۷
- ۳-۱-۳ استراتژی صنعتی شدن ۴۸
- ۴-۱-۳ استراتژی انقلاب سبز ۵۰
- ۵-۱-۳ استراتژیهای توزیع مجدد ۵۱
- ۶-۱-۳ استراتژیهای سوسیالیستی ۵۲
- ۲-۳ دومین تقسیم‌بندی: استراتژیهای درون‌نگر و استراتژیهای برون‌نگر ۵۴
- ۱-۲-۳ استراتژیهای درون‌نگر ۵۴
- ۱-۱-۲-۳ استراتژیهای درون‌نگر از نظر فراگیری بخشها ۵۵
- ۲-۲-۳ استراتژیهای برون‌نگر ۵۷
- ۱-۲-۲-۳ استراتژیهای رشد متکی بر صادرات ۵۷
- ۲-۲-۲-۳ استراتژی جایگزینی صادرات ۵۸
- ۳-۳ استراتژیهای برون‌نگر رشد متکی بر صادرات مواد اولیه ۶۰
- ۱-۳-۳ صادرات مواد اولیه به مثابه موتور رشد ۶۰
- ۲-۳-۳ موانع موجود در رشد ناشی از صادرات مواد اولیه ۶۲
- ۳-۳-۳ نظریه‌های توسعه صادرات مواد اولیه ۶۴
- ۴-۳ استراتژی تبدیل مواد خام به محصولات ساخته و نیمه ساخته ۶۶
- ۱-۴-۳ کارآیی استراتژی مبتنی بر مواد خام به عنوان پایه صنعتی شدن ۶۷
- ۵-۳ جمع‌بندی ۶۹

- فصل چهارم: استراتژی جایگزینی واردات و توسعه صادرات ۷۲
- ۱-۴ استراتژی جایگزینی واردات ۷۳
- ۱-۱-۴ مبانی نظری سیاستهای حمایتی ۷۵
- ۲-۱-۴ دیدگاههای مکاتب مهم اقتصادی از سیاستهای حمایتی ۷۶
- ۳-۱-۴ طرفداران حمایت و انگیزه‌های انتخاب استراتژی جایگزینی واردات ۷۸
- ۴-۱-۴ انتقادات وارد بر استراتژی جایگزینی واردات ۸۴
- ۵-۱-۴ سیاستهای بازرگانی در رژیم جایگزینی واردات ۸۵
- ۶-۱-۴ اندازه‌گیری ساختار حمایت ۸۹
- ۷-۱-۴ بررسی سیاستهای حمایتی در ایران ۹۶
- ۲-۴ استراتژی توسعه صادرات ۱۰۵
- ۱-۲-۴ مبانی نظری استراتژی توسعه صادرات ۱۰۵
- ۲-۲-۴ انگیزه‌های انتخاب استراتژی توسعه صادرات ۱۰۷
- ۳-۲-۴ مزیت نسبی و توسعه صادرات ۱۰۸
- ۴-۲-۴ شیوه‌های توسعه صادرات و بررسی سیاستها در ایران ۱۰۹
- ۵-۲-۴ جایگاه صادرات غیر نفتی در اقتصاد ایران ۱۱۳
- ۳-۴ جمع‌بندی ۱۲۵
- فصل پنجم: مطالعات تجربی: سیاست تجاری و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه ۱۲۷
- ۱-۵ طبقه‌بندی مطالعات ۱۲۷
- ۲-۵ مطالعات تجربی در مقیاس وسیع ۱۲۸
- ۳-۵ مطالعات تجربی براساس ضریب رتبه همبستگی اسپیرمن ۱۳۱
- ۴-۵ مطالعات تجربی براساس روش‌های اقتصادسنجی ۱۳۴
- ۱-۴-۵ مطالعات تجربی براساس برآورد توابع رفتاری (غیر از تابع تولید) ۱۳۴
- ۲-۴-۵ مطالعات تجربی براساس برآورد تابع تولید (نئوکلاسیک) ۱۳۷
- ۵-۵ مطالعات تجربی براساس روابط علیت (گرنجری) ۱۵۳
- ۶-۵ مطالعات تجربی در ایران ۱۶۰
- ۷-۵ جمع‌بندی ۱۶۶

- فصل ششم: بررسی میزان موفقیت استراتژی توسعه صادرات بر رشد اقتصادی ۱۷۰
- ۱-۶ معرفی الگوی تجربی ۱۷۱
- ۱-۱-۶ تنظیم الگوی خودبرگشتی برداری ۱۷۴
- ۲-۱-۶ آزمون ریشه واحد (آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته؛ ADF) ۱۷۵
- ۳-۱-۶ آزمون همجمعی ۱۷۶
- ۴-۱-۶ تعیین وقفه بهینه متغیرها در الگو ۱۷۷
- ۵-۱-۶ نتایج آزمون علیت ۱۸۰
- ۲-۶ تعمیم الگو: سیاست‌های ارزی و صادرات غیرنفتی ۱۸۲
- ۱-۲-۶ آزمون همجمعی الگوی هفت متغیره ۱۸۲
- ۲-۲-۶ تشکیل الگوی تصحیح خطا (ECM) ۱۸۴
- جمع‌بندی ۱۸۶
- نتایج الگوی تجربی ۱۸۹
- پیشنهاد‌های سیاستی ۱۹۰
- پیوست ۱: الگوی خودبرگشتی برداری (VAR) ۱۹۱
- پیوست ۲: علیت گرنجر (Granger Causality) ۱۹۶
- پیوست ۳: آزمون ریشه واحد (Unit root test) ۱۹۹
- پیوست ۴: همجمعی (Cointegration) ۲۱۰
- پیوست ۵: الگوی تصحیح خطا (ECM) ۲۲۰
- پیوست ۶: رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب (SUR) ۲۲۷
- پیوست ۷: آیا وجود رابطه حسابداری (اتحاد درآمد ملی) می‌تواند دال بر رابطه علیت باشد؟ ۲۳۶
- پیوست ۸: معرفی داده‌های آماری ۲۳۷
- فهرست منابع ۲۵۰

فهرست جداول:

- جدول ۱-۳: اولین تقسیم‌بندی؛ شش استراتژی مجزا برای توسعه (بدون شرح) ۷۰
- جدول ۲-۳: دومین تقسیم‌بندی استراتژیهای توسعه اقتصادی ۷۰
- جدول ۱-۴: رابطه مبادله $(TOT = \frac{P_x}{P_m})$ (۱۹۷۲=۱۰۰) ۸۰
- جدول ۲-۴: نرخهای تعرفه اسمی و مؤثر برای گروههای مختلف کالایی در ایران ۱۰۰
- جدول ۳-۴: نرخهای تعرفه اسمی و مؤثر در کشورهای توسعه یافته (برای سال ۱۹۶۲) ۱۰۱
- جدول ۴-۴: متوسط نرخ تعرفه مؤثر برای صنایع کارخانه‌ای کشورهای در حال توسعه ۱۰۱
- جدول ۵-۴: ساختار صادرات جهانی (بر حسب مقصد) ۱۲۱
- جدول ۶-۴: سهم صادرات و واردات گروههای مختلف کشورها از صادرات و واردات جهانی ۱۲۲
- جدول ۷-۴: سهم گروههای مختلف کالایی در صادرات کشورهای در حال توسعه ۱۲۲
- جدول ۸-۴: سهم صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی کشورهای مختلف جهان ۱۲۳
- جدول ۹-۴: خصوصیات گروه کشورها براساس خط‌مشی بازرگانی (TO) ۱۲۴
- جدول ۱-۵: نرخهای حمایت اسمی و مؤثر (مطالعه بالاسا) ۱۳۰
- جدول ۲-۵: نتایج ضریب رتبه همبستگی اسپیرمن (مطالعه بالاسا) ۱۳۳
- جدول ۳-۵: نتایج ضریب رتبه همبستگی اسپیرمن (مطالعه کاووسی) ۱۳۴
- جدول ۴-۵: نتایج برآورد تأثیر صادرات بر رشد اقتصادی (مطالعه متوالی - تمشکی) ۱۳۷
- جدول ۵-۵: نتایج برآورد تابع تولید (مطالعه فدر) ۱۳۹
- جدول ۶-۵: نتایج برآورد تابع تولید (مطالعه مایکلوپولوس و جی) ۱۴۰
- جدول ۷-۵: نتایج برآورد تابع تولید (مطالعه بالاسا) ۱۴۰
- جدول ۸-۵: برآورد تابع تولید (مطالعه فوسو) ۱۴۱
- جدول ۹-۵: نتایج برآورد تابع تولید (مطالعه شیهی) ۱۴۲
- جدول ۱۰-۵: نتایج برآورد تابع تولید (مطالعه یغمائیان) ۱۴۳
- جدول ۱۱-۵: نتایج برآورد تابع تولید (مطالعه آل یوسف) ۱۴۵
- جدول ۱۲-۵: نتایج برآورد و تابع تولید (مطالعه بالاسا) ۱۴۸
- جدول ۱۳-۵: نتایج برآورد و تابع تولید (مطالعه کوهلی و سینگ) ۱۴۹
- جدول ۱۴-۵: نتایج برآورد تابع رفتاری (مطالعه ایچیرو و ویلانوا) ۱۵۰
- جدول ۱۵-۵: نتایج برآورد روابط علیت (مطالعه جانگ و مارشال) ۱۵۵
- جدول ۱۶-۵: نتایج برآورد روابط علیت (مطالعه چاو) ۱۵۶
- جدول ۱۷-۵: نتایج برآورد روابط علیت (مطالعه شارما و داکال) ۱۶۰

- جدول ۵-۱۸: گزیده‌ای از مطالعات تجربی بر رابطه بین رشد صادرات و رشد اقتصادی ۱۶۷
- جدول ۶-۱: آزمون ریشه واحد (آزمون دیکی فولر تعمیم یافته) ۱۷۵
- جدول ۶-۲: نتایج آزمون همجمعی جوهانسن - جوسلیوس ۱۷۷
- جدول ۶-۳: نتایج توزیع بهینه وقفه در معادلات VAR مقید ۱۷۹
- جدول ۶-۴: نتایج آزمون علیت و تعیین اثرات متغیرها بر یکدیگر ۱۸۰
- جدول ۶-۵: نتایج آزمون همجمعی جوهانسن - جوسلیوس ۱۸۳
- جدول ۶-۶: بردار همجمعی ساز و به هنجار شده آن: روش جوهانسن - جوسلیوس ۱۸۳
- جدول ۶-۷: نتایج آزمون علیت با استفاده از آزمون والد در مدل ECM ۱۸۵

فهرست نمودارها

- نمودار ۱-۱: رابطه بین صادرات و بهره‌وری (آزمون تجربی مکه دوگال) ۱۱
- نمودار ۲-۱: منافع حاصل از تجارت ۱۳
- نمودار ۳-۱: منحنیهای پیشنهادی (مارشال - اجورث - مید) ۱۳
- نمودار ۴-۱ الف: رشد غیرمتوازن (دراثر تغییر غیریکسان در L و K) ۱۵
- نمودار ۴-۱ ب: رشد متوازن (دراثر تغییر یکسان در L و K) ۱۵
- نمودار ۵-۱: تأثیر رشد بر تجارت و مصرف؛ حالت کشور کوچک ۱۷
- نمودار ۶-۱: تأثیر رشد بر تجارت و مصرف؛ حالت کشور بزرگ ۱۸
- نمودار ۷-۱: رشد قهقراپی ۱۹
- نمودار ۸-۱: رشد عامل سرمایه، بهبود نرخ مبادله و رفاه ۲۰
- نمودار ۹-۱: بی ثباتی قیمت و صادرات مواد اولیه کشورهای در حال توسعه ۲۹
- نمودار ۱-۴: رابطه مبادله کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال توسعه غیرنفتی ۸۱
- نمودار ۲-۴: رابطه مبادله کشورهای توسعه یافته، در حال توسعه و ایران ۸۱
- نمودار ۳-۴: رابطه مبادله محصولات اولیه و مواد خام (به غیر از مواد سوختی) ۸۲
- نمودار ۴-۴: وضع تعرفه گمرکی (بهبود رابطه مبادله) ۸۳
- نمودار ۵-۴: وضع تعرفه (تحلیل تعادل جزئی) ۸۵
- نمودار ۶-۴: سهمیه بندی واردات ۸۸
- نمودار ۷-۴: سهم واردات گروههای مختلف کالایی ۹۹
- نمودار ۸-۴: سهم واردات در تولید ناخالص داخلی ۹۹
- نمودار ۹-۴: تعرفه متوسط اسمی ۱۰۰
- نمودار ۱۰-۴: رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت و سهم واردات ۱۰۳
- نمودار ۱۱-۴: رشد صادرات غیرنفتی و رشد واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای ۱۰۴
- نمودار ۱۲-۴: روند سهم واردات کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و سهم اشتغال در بخش صنایع و معادن ۱۰۴
- نمودار ۱۳-۴: تراز بازرگانی بدون احتساب نفت و گاز و با احتساب نفت و گاز ۱۱۷
- نمودار ۱۴-۴: سهم صادرات غیرنفتی و صادرات نفتی در کل صادرات ۱۱۷
- نمودار ۱۵-۴: سهم صادرات غیرنفتی، نفت و گاز و صادرات کل در تولید ناخالص داخلی ۱۱۸
- نمودار ۱۶-۴: سهم صادرات کالاهای مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای در کل صادرات ۱۱۸
- نمودار ۱۷-۴: میزان صادرات نفت و گاز و صادرات غیرنفتی (میلیارد ریال) ۱۱۹
- نمودار ۱۸-۴: میزان صادرات نفت و گاز و صادرات غیرنفتی (میلیون دلار) ۱۱۹
- نمودار ۱۹-۴: رشد صادرات غیرنفتی و رشد صادرات نفت و گاز - دلاری ۱۲۰
- نمودار ۲۰-۴: رشد صادرات غیرنفتی و رشد صادرات نفت و گاز - ریالی ۱۲۰

مقدمه

مقدمه

بررسی رابطه بین رشد اقتصادی و صادرات، که یکی از اجزای تجارت خارجی محسوب می‌شود، از مهمترین مباحث اقتصادی، بخصوص در دهه‌های اخیر، به شمار می‌رود. مکاتب اقتصادی نظیر سوداگران، کلاسیک و نئوکلاسیک مباحث زیادی در ارتباط با این موضوع مطرح کرده‌اند. در مباحث رشد، توسعه اقتصادی و تجارت بین‌الملل نیز اهمیت خاصی به این موضوع داده شده است. دلایل این تأکید در واقعیات تاریخی رشد اقتصادی برخی کشورها نهفته است. کشورهایی که اکنون جزو غولهای عظیم صنعتی و پیشرو در علم محسوب می‌شوند رشد اقتصادی خود را مدیون تجارت خارجی می‌دانند. آنچه بر اهمیت موضوع می‌افزاید رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه است. آیا این کشورها نیز قادرند به حد رشد و توسعه اقتصادی کشورهای صنعتی دست پیدا کنند. مسلماً پاسخ به این سؤال باید به حد کافی قانع کننده باشد. روشن شدن این امر نیاز به یک سیر تاریخی در مکاتب اقتصادی و در مباحث اقتصاد توسعه دارد. آنچه مسلم است شرایط اقتصادی حاکم در دوران رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته امروزی متفاوت از شرایط فعلی و حتی دهه‌های اخیر است. کشورهای صنعتی پایه‌های صنعتی شدن خود را در گذشته‌ای دور بنا نهاده‌اند. آنها در هنگام شروع به صنعتی شدن هیچ الگوی آماده و قابل کپی برداری نداشته‌اند. شاید بتوان گفت که این موضوع به انقلاب صنعتی در انگلستان (۱۷۸۳) بر می‌گردد. وقوع انقلاب صنعتی زمینه‌ای را فراهم آورد که گسترش روزافزون تولیدات صنعتی به واسطه پیشرفتهای فنی در ماشین‌آلات موجب شود نیاز به مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای روز بروز بیشتر گردد. همچنین، گسترش فنی باعث بهبود کیفیت کالاهای سرمایه‌ای گردید، کالاهایی که هیچ نمونه خارجی نداشتند و بایستی اختراع می‌شدند. بدین ترتیب برخی کشورها (در حال توسعه) به عنوان تأمین‌کننده مواد مورد نیاز صنایع رو به گسترش کشورهای دیگر (توسعه یافته) تبدیل شدند و نوعی تقسیم کار بین‌المللی پدید آمد. نظریه‌های اقتصادی، به ویژه نظریه‌های تجارت بین‌الملل، قوت گرفتند تا به سؤالی چون - چه کالایی و توسط چه کشوری باید تولید شود؟ جهت تجارت چگونه است؟ چرا باید تجارت انجام شود؟ اقتصاد بسته بهتر است یا اقتصاد باز؟ - پاسخ دهند. نظریه اقتصاد بین‌الملل به این سؤالات پاسخ داده است. اما وقوع جنگ‌های اول و دوم جهانی کشورها را از خواب غفلت بیدار کرد. آیا هنوز هم جهت تجارت می‌تواند طبق اصول تجارت بین‌الملل تعیین شود؟ بدینی اول نسبت به تجارت و به خصوص صادرات مواد اولیه بوجود آمد. رابطه مبادله بین کشورهای به اصطلاح در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته عادلانه به نظر نمی‌رسید. بدین ترتیب اقتصاد توسعه متولد می‌شود - شاخه‌ای از علم اقتصاد که به دنبال یافتن دلایل رشد اقتصادی کشورهای توسعه یافته و تجویز آنها به کشورهای در حال توسعه بود. اولین

توصیه اقتصاددانان توسعه این بود که برای رشد اقتصادی حمایت از تولیدات داخلی ضروری است. با فروش محصولات اولیه و کشاورزی نمی‌توان امید به رشد اقتصادی داشت. کالاها بایستی در داخل کشور و تا حد نیاز تولید شوند و موقعی که از نظر کیفیت قابلیت رقابت را در بازارهای بین‌المللی پیدا کردند به خارج صادر شوند. این نقطه‌نظرات در قالب استراتژی‌های درون‌نگر دسته‌بندی می‌شوند. استراتژی جایگزینی واردات که نوعی از استراتژی‌های درون‌نگر است با ارائه دلایل منطقی توانست بسیاری از کشورهای توسعه نیافته را در دهه ۱۹۶۰ به خود علاقه‌مند کند.

ایران نیز در طی برنامه‌های عمرانی همین دهه (مصادف با دهه ۱۳۴۰) از این استراتژی تبعیت نمود و ترکیبی از سیاست‌های موجود در استراتژی جایگزینی واردات و سپس توسعه صادرات را به کار بست. پایان‌نامه حاضر از اینجا ایده می‌گیرد. آیا ایران توانسته است استراتژی جایگزینی واردات را به خوبی به اجرا درآورد؟ چه سیاست‌هایی را در این زمینه بکار بسته است؟ آیا توانسته است به اهداف خود دست پیدا کند. با مراجعه به سیاست‌های به اجرا درآمده ملاحظه می‌شود که از همان اوایل سیاست‌های توسعه صادرات در زمره سیاست‌های تجاری گنجانده شده است. آیا توسعه صادرات در نقطه زمانی مناسبی شروع شده است؟ آیا ظرفیتهای موجود در آن زمان توانسته است به پیشبرد این استراتژی کمک نمایند؟ در این پایان‌نامه به سیاست‌های برون‌نگر و توسعه صادرات به عنوان شاخه‌ای از آن، نیز پرداخته می‌شود. سیاست‌های کشورهای دیگر نیز تا حدودی بررسی می‌گردند تا بتوان میزان موفقیت و شکست آنها را طبق آمار موجود تعیین نمود. آیا آنها دچار معضلاتی نظیر بدهی‌های خارجی شده‌اند؟ نمونه مناسب آن کشورها، کشورهای آسیای جنوب شرقی معروف به «چهار بیر» هستند. آیا آنها موفق بوده‌اند؟ بحران‌های اخیر در آسیای جنوب شرقی حاکی از آن است که حتی این اقتصادها نیز ضربه پذیر هستند. ورود سرمایه‌هایی که روزی توانستند کمک شایانی به این کشورها ارائه کنند اکنون با خروج از این کشورها، آنها را متضرر می‌سازند. آنچه مسلم است سیاست‌های توسعه صادرات توانسته است رشد اقتصادی را برای این کشورها به ارمغان آورد. در مورد ایران چطور؟ اگر پاسخ مثبت است، به این معنی است که توانسته‌ایم از مزایای استراتژی جایگزینی واردات بهره‌مند شویم و به موقع به استراتژی توسعه صادرات روی آوریم. اگر پاسخ منفی است (در صورتی که رابطه علیت تعیین شود) اتکاء زیاد به سیاست توسعه صادرات، مادامی که ارتباطات مناسب بین این دو بخش و سایر بخش‌های اقتصادی ایجاد نشده است، کمکی به رشد اقتصادی نمی‌کند و بهتر است با بازنگری سیاست‌ها، برای مثال به جانب تولید، ظرفیت‌سازی و ارتقاء کیفیت محصولات، چاره‌اندیشی کنیم.

در این خصوص به خاطر موقعیت خاص اقتصاد ایران که اقتصادی متکی به درآمدهای نفت و گاز است، صحبت از صادرات کل به عنوان موتور رشد اقتصادی صحبتی بیهوده است، زیرا مسلماً صادرات نفت و گاز تأمین‌کننده منابع ارزی و مرتفع‌کننده نیازهای داخلی تولید است، ولی از آنجا که فروش نفت و گاز به

منزلهٔ فروش دارایی است؛ صادرات غیرنفتی که عمدتاً از صادرات نفت و گاز تغذیه می‌شوند باید به رشد تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) کمک کنند.

فرضیاتی که پایان‌نامه حاضر به تحقیق آنها می‌پردازد عبارتند از: (۱) رشد تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) منجر به رشد صادرات غیرنفتی می‌گردد. (۲) رشد صادرات غیرنفتی تأثیر معنی‌داری بر رشد تولید ناخالص داخلی (بدون نفت) نداشته است. (۳) رشد نیروی کار و سرمایه عوامل غیر مستقیم رشد صادرات غیرنفتی محسوب می‌شوند. (۴) نرخ ارز واقعی تأثیر معنی‌داری بر رشد صادرات نداشته است و (۵) نوسانات تقاضای جهانی موجب ایجاد نوساناتی در صادرات غیرنفتی کشور می‌گردد.

برای تحقیق فرضیات مذکور، فصل اول پیرامون دلایل انجام تجارت و سیر تکاملی نظریه‌های آن به بحث می‌پردازد. همچنین اشاره‌ای به بدبینی‌های نسبت به تجارت (به ویژه در کشورهای در حال توسعه) صورت می‌گیرد. از آنجا که انتخاب سیاست تجاری مناسب جدای از سیاست دولتمردان نیست، فصل دوم به اقتصاد سیاسی، با دیدگاهی متفاوت با سایر متون اقتصادی، می‌پردازد.

به منظور هر چه بهتر آشنا شدن محققین به معایب، محاسن، تقسیم‌بندی‌های موجود و قضاوت در مورد عملکرد کشورها در شرایط متفاوت اقتصادی، در فصل سوم استراتژی‌های توسعه اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در این میان، سه استراتژی مورد بحث کامل قرار می‌گیرند: استراتژی رشد برون‌نگر متکی بر صادرات مواد اولیه، استراتژی توسعه درون‌نگر از نوع جایگزینی واردات و استراتژی برون‌نگر توسعه صادرات. دو استراتژی آخر در فصل چهارم مورد بحث قرار می‌گیرند. دیدگاه‌های مختلف اقتصادی، انگیزه‌های انتخاب این استراتژی‌ها، انتقادات وارد بر آنها، انواع روش‌های حمایت و عملکرد برخی کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران نیز مورد بحث قرار می‌گیرند. سیاست‌های توسعه صادرات و جایگزینی واردات اعمال شده در ایران حاکی از توجه برنامه‌ریزان به هر دو مقوله در برنامه‌های عمرانی کشور است.

در فصل پنجم، به معروف‌ترین تحقیقات انجام شده در زمینه تأثیرگذاری سیاست‌های تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه پرداخته می‌شود و نهایتاً در فصل ششم، جهت بررسی رابطه بین رشد صادرات غیرنفتی و رشد اقتصادی، الگوی تجربی برای اقتصاد ایران طراحی می‌شود. طبق روش‌شناسی سری‌های زمانی، الگوی خودبرگشتی برداری تنظیم و روابط تعادلی بلندمدت بین متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد. با بررسی نتایج الگوی تجربی طراحی شده، فرضیه‌های پایان‌نامه حاضر تحقیق می‌شود و با تعمیم الگو، تأثیر متغیرهای، از جمله درآمد جهانی و نرخ ارز واقعی، بر صادرات غیرنفتی و تأثیرپذیری نتایج تحت الگوی تعمیم یافته بررسی می‌گردد و نهایتاً جمع‌بندی و پیشنهادها برای اقتصاد ایران ارائه می‌گردد.

فصل اول

تجارت بين الملل

فصل اول: تجارت بین الملل

۱-۱ نظریه تجارت بین الملل

تجارت بین الملل به تعریف چندان طولانی احتیاج ندارد. مبادله کالاها فرای مرزهای ملی به راحتی قابل تشخیص و اندازه گیری است. کلیه کشورهای جهان سالیان متمادی است که در تجارت بین الملل شرکت کرده اند. اکثر اقتصادهای بازاری، سهمی از تولید داخلی خود را صادر می کنند و بخشی از مخارج کل خود را به اقلام وارداتی اختصاص می دهند. همه مصرف کنندگان و تولیدکنندگان اهمیت تجارت بین الملل را در فعالیتهای اقتصادی روزانه خود احساس می کنند. به جرأت می توان گفت تمامی آثار قابل لمس تجارت بین الملل شاید ذره ای از یک کوه یخ باشد، زیرا بخش اعظمی از این تجارت، شامل محصولات واسطه ای است که هیچگاه یک مصرف کننده یا یک تولیدکننده عادی قادر به مشاهده مبادلات آنها نیستند.

تجارت بین الملل یکی از زمینه های مرکزی اعمال سیاستهای اقتصادی دولتها بوده است. از زمانهای بسیار دور دولتها تجارت را در دست داشته اند. در جوامع دموکراتیک، سیاستهای تجاری یکی از مهمترین موضوعات مطرح شده در انتخابات تلقی می شود. در فصل حاضر، با ارائه مبانی تجارت بین الملل و نظریه های آن در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی و سیر تفکر اقتصادی در این زمینه، به دلایل صاحب نظران اقتصادی در رابطه با نقش تجارت، ضرورت آن و یا در برخی مواقع استدلالهای علیه تجارت خارجی بطور مفید ولی مختصر اشاره می شود.

۱-۱-۱ چرا کشورها با یکدیگر مبادله می کنند؟

اقتصاددانان معمولاً تحلیل مبادله را براساس واحدهای تصمیم گیری انفرادی مانند بنگاه یا خانوار بنا می کنند،